

شناسایی و بررسی عوامل محیط آموزشی،
برآفت تحصیلی شاگردان ذکور
لیسه نمونه دولتی محمدآصف مایل

دکتر محمدعارف صداقت^۱

علی ابراهیمی^۲

چکیده

نظام آموزش و پرورش به دلیل پیچیدگی فکری و رفتاری عوامل آموزشی و تنوع خواسته‌ها و نیازهای جامعه با آفات و مشکلات متعددی از جمله، مسأله اُفت تحصیلی و پیامدهای ناشی از آن روبه‌رو است. در اثر افت تحصیلی هر ساله مقدار چشمگیری از منابع اقتصادی و انسانی تلف می‌شود و آثار مخربی بر زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش‌آموزان برجای می‌گذارد. مسأله افت تحصیلی علاوه بر مشکلات آموزشی عوارضی مانند ناهنجاری‌های رفتاری، تربیتی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی را برای فرد و جامعه رقم می‌زند. اُفت تحصیلی یک پدیده چندوجهی است و ریشه در مسائل فرهنگی، سیاسی، مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی دارد. عوامل افت تحصیلی، به عوامل مختلفی از جمله به عوامل فردی، عوامل درون‌سازمانی و عوامل برون‌سازمانی تقسیم شده است. در این پژوهش، عوامل برون‌سازمانی، خنثی در نظر گرفته شده تا عوامل و متغیرهای درون‌سازمانی با تأکید بر عوامل محیط آموزشی لیسه (دبیرستان) ب هتر شناسایی و بررسی شود. جامعه آماری تحقیق، یک از لیسه‌های شهر کابل، بنام لیسه نمونه دولتی محمد آصف مایل است. برای گردآوری معلومات اولیه از پرسش‌نامه خود ساخته به روش لیکرت و برای دسته‌بندی و تحلیل اطلاعات تحقیق از آمار توصیفی و استنباطی و نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تمامی تمامی سؤالات پرسش‌نامه، دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۶ است. و نتیجه نهایی میانگین رنکینگ از چهار دسته عوامل آموزشی مؤثر بر افت تحصیلی، مجموعه عوامل مرتبط با مدیریت لیسه از قبیل کم‌سواد مدیر، فقدان انگیزه شغلی، عدم آشنایی مدیر با دانش‌ها و مهارت مدیریت، و...، بیش‌ترین تأثیر را بر اُفت تحصیلی دانش‌آموزان این لیسه داشته است.

واژگان کلیدی: محیط آموزشی، عوامل آموزشی، اُفت تحصیلی، عوامل اُفت تحصیلی.

مقدمه

از جمله نظام‌های اجتماعی که به دلیل پیچیدگی فکری و رفتاری انسان‌ها و تنوع خواسته‌ها و نیازهای افراد، خواهی نخواهی با مشکلات و آفاتی مواجه است نظام آموزش و پرورش است. از جمله آفات نظام آموزش مساله افت تحصیلی و پیامدهای ناشی از آن است. هر عاملی که بازده کار آموزش و تحصیل را از لحاظ رسیدن به مقاصد آموزشی و تربیتی کاهش دهد عامل افت و اتلاف به حساب می‌آید. این عوامل از یکدیگر جدا نیستند و برهم تأثیر دارند و نمی‌توان آن‌ها را به‌طور مجزا و مستقل مورد بررسی قرار داد. با توجه به تحقیقات انجام‌شده، عوامل افت تحصیلی به‌دسته‌ها و عوامل گوناگون از جمله عوامل فردی، عوامل درون‌سازمانی و عوامل برون‌سازمانی تقسیم می‌شود.

در این تحقیق عوامل و متغیرهای غیرآموزشی افت تحصیلی مانند خانواده، مسائل اقتصادی و سیاسی جامعه مد نظر نیست و سعی بر آن است تا عوامل درون‌سازمانی به‌ویژه عوامل محیط آموزشی که برمساله افت تحصیلی تأثیر دارند شناسایی، بررسی و درجه‌بندی شوند.

اگر چالش‌های عمومی شهر کابل مانند ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی، ناامنی، تنش‌های سیاسی، چالش‌های اقتصادی و معضلات ناشی از فساد اداری که دامن‌گیر تمام نهادها و ادارات کابل است نادیده گرفته شوند (متغیر کنترل‌شده)، این پرسش مطرح می‌شود که مشکل نهاد آموزش و پرورش ما چیست؟ چرا ده‌ها سال است که مشکلات آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان حل نمی‌شود؟ چرا مشکلات و چالش‌های معارف، باز تولید شده و در یک چرخه باطل تداوم دارد؟ کارکرد ضعیف لیسه‌ها و مراکز آموزشی ریشه در کدام علل و عوامل دارند؟ عوامل محیط آموزشی چه سهمی در شکست تحصیلی شاگردان دارد؟

پرسش‌های متعددی را در مورد افت تحصیلی شاگردان می‌توان مطرح کرد. طرح پرسش در این موضوع، بستگی به نوع دیدگاه محقق، عوامل و متغیرهای

اُفت تحصیلی و اهداف تحقیق دارد. در تحقیق پیش رو، سؤال اصلی عبارت است از این که کدام عوامل مربوط به محیط آموزشی (از لیسه نمونه دولتی محمد آصف مایل) بر اُفت تحصیلی شاگردان تأثیر گذار است؟

پرسش‌های فرعی مرتبط با سؤال اصلی عبارتند از:

کدام خصوصیات ذهنی و عوامل رفتاری شاگردان لیسه، بر اُفت تحصیلی تأثیر می‌گذارد؟

کدام عوامل رفتاری و حرفه‌ای معلمان بر اُفت تحصیلی شاگردان لیسه تأثیر می‌گذارد؟

کدام عوامل مدیریتی و رفتاری مدیر بر اُفت تحصیلی شاگردان لیسه تأثیر می‌گذارد؟

کدام عوامل سازمانی و سیستمی نظام آموزشی، بر اُفت تحصیلی شاگردان لیسه تأثیر می‌گذارد؟

اُفت تحصیلی یک پدیده چندوجهی است و ریشه در مسائل فرهنگی، مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی، تربیتی و آموزشی دارد؛ به همین دلیل مسأله اُفت تحصیلی با رویکردهای متعددی قابل تحلیل و بررسی است.

۱. پیشینه تحقیق

محمود متوسلی و محمدرضا آهنچیان، در کتاب «اقتصاد آموزش و پرورش» و محمد قلی یوسفی در کتاب «استراتژی‌های رشد و توسعه اقتصادی» به پیامدهای اقتصادی و مالی اُفت تحصیلی و خطرات ناشی از هزینه فرصت در آموزش‌های رسمی اشاره می‌کنند. در این دیدگاه‌ها فرایند آموزش و پرورش رسمی، طولانی‌ترین و سنگین‌ترین سرمایه‌گذاری است که از سوی دولت و ملت (خانواده‌ها) هزینه می‌شود و اگر درآمد و رفاه تحصیل‌کردگان از افراد کم‌سواد یا بی‌سواد بالاتر نباشد بر مبنای اصل اقتصادی هزینه-فایده دچار هزینه فرصت شده و ضرر بزرگی بردولت، خانواده و فرد تحصیل کرده، تحمیل می‌شود.

در بررسی نظریات اقتصادی راجع به اُفت تحصیلی، محصولات آموزشی مانند نیروی انسانی آموزش دیده و سرمایه‌های فکری و اجتماعی به‌مثابه عناصر کلیدی توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی معرفی می‌شوند. تربیت و آموزش نیروی کار برای افزایش مهارت و تخصص مهم‌ترین هدف آموزش است تا کارایی و

بهره‌وری کارگران افزایش یابد.

حسین صالحی در کتاب «تکنیک‌های موفقیت در تحصیل»، به جنبه افت کیفی پرداخته و اُفت تحصیلی را اُفت آینده‌سازان ملت می‌داند. ایشان ضمن بررسی عوامل روانی و عاطفی مسأله اُفت، به پیامدهای اخلاقی و فرهنگی اُفت تحصیلی اشاره می‌کند.

ویلیام گلاسر معلم و محقق آمریکایی در کتاب «مدارس بدون شکست» (۱۳۸۲)، با ارائه آمار شاگردانی که به‌نحوی دچار مسأله افت شده‌اند به افت کمی و کیفی پرداخته و از اُفت تحصیلی به‌عنوان شکست تحصیلی یاد می‌کند. و اُفت تحصیلی را ناشی از عوامل روانی، فرهنگی و اجتماعی می‌داند که علاوه‌بر ضررهای اقتصادی هنگفت، ناهنجاری اجتماعی نیز ایجاد می‌کند و جامعه را به‌سوی بحران سوق می‌دهد. گلاسر ضمن اشاره به پیامدهای اجتماعی و جرمی اُفت تحصیلی، راهکارها و راهبردهای کاهش شکست تحصیلی را با توجه به بستر فرهنگی جامعه لس آنجلس (آمریکا) پیشنهاد می‌کند.

منصوره دسترنج، صدیقه بلوکی و مریم موذن افت تحصیلی را مرتبط با درآمد والدین، میزان تحصیلات والدین، سن، جنس، شغل والدین، معدل نمرات، فاصله بین فراغت از لیسه و ورود به دانشگاه می‌داند و رابطه عوامل یادشده را با اُفت تحصیلی نیز بررسی می‌کند.

در بررسی نظریات، تربیت نیروی انسانی و آموزش نیروی کار ماهر و متخصص مهم‌ترین هدف آموزش است و نیروی انسانی و سرمایه‌های فکری و اجتماعی عناصر کلیدی توسعه فرهنگی و اقتصادی و رفاه اجتماعی معرفی شده‌اند. هر عاملی که موجب رکود و سکون فرآیند آموزش شود، مانع و آفتی است که باید از مسیر آموزش و پرورش برداشته شود و الا نه تنها شاگردان بلکه نهاد آموزش و پرورش و در سطح بالاتر، کل جامعه دچار بحران و خسران ناشی از اتلاف هزینه‌ها می‌شوند.

منابع و امکانات کشور ما بسیار محدود است. و از سوی دیگر افزایش سریع جمعیت واجب‌التعلیم، بخش عمده‌ای از درآمد و بودجه ملی ما را می‌بلعد. رسیدگی به عوامل اُفت تحصیلی از آن جهت لازم و ضروری است که از هزینه‌های آموزش و پرورش استفاده مؤثر و بهینه می‌شود، کیفیت برنامه‌ها و کارکردهای آموزش و پرورش ارتقاء می‌یابد و از اتلاف منابع و سرمایه‌ها جلوگیری می‌شود. و از همه مهم‌تر این‌که تعلیم و تربیه سالم زمینه رشد و توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه را فراهم می‌کند.

تحقیق پیش‌رو از آن جهت اهمیت دارد که به مهم‌ترین نیاز معارف که شناسایی عوامل اُفت تحصیلی و تضمین کیفیت است پاسخ می‌دهد. شناسایی عوامل و ریشه‌های اُفت تحصیلی در محیط آموزش به بهره‌وری و کیفیت آموزش و پرورش کمک می‌کند. مهارت (سواد) و ظرفیت‌های محصلان را افزایش و هزینه فرصت تحصیل، را کاهش می‌دهد. زمینه رشد و توسعه، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نسل آینده را تقویت می‌کند و از هدر رفتن منابع اقتصادی و انسانی جلوگیری می‌کند.

۲. مبانی نظری اُفت تحصیلی

مبنا در لغت؛ به‌معنای ریشه و زیربنا است. مبانی از مبنا گرفته شده و مبانی در اصطلاح علمی؛ عبارت است از اندیشه‌ها، افکار و نگرش‌های مربوط به معرفت‌شناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و در کل موقعیت، امکانات و محدودیت‌های یک موضوع یا یک علم. (مه‌دی‌ان، ۱۳۸۵، ص ۸۱)

اُفت تحصیلی از موضوعات مرتبط با تعلیم و تربیت است. تربیت نیز از موضوعاتی است که برای تحلیل و تفسیر مفاهیم آن و شناخت مهم‌ترین و ریشه‌ای‌ترین عوامل آن باید به مبانی آن مراجعه شود. در نظام آموزشی ما مبانی تربیتی برگرفته از تعالیم دینی، تحقیقات علمی، معارف فلسفی، نظریات و تئوری‌های معتبر علوم تربیتی و واقعیت‌های است که عوامل و عناصر تربیت از

جمله مسأله اُفت تحصیلی را شامل می‌شود و به ساختار، محتوا و روش تحقیق اُفت تحصیلی جهت می‌دهد. نظریات دانشمندان و مربیان تعلیم و تربیت، مبانی و زیرساخت‌هایی هستند که عوامل و ابعاد اُفت تحصیلی را مشخص می‌کند. اُفت تحصیلی از پدیده‌های چندوجهی است که از دیدگاه‌های روان‌شناسی، اقتصاد، سیاست، مدیریت آموزشی و علوم تربیتی قابل بررسی و تحلیل است و عوامل متعدد و متنوع دارد. در این تحقیق فقط به مجموعه عوامل محیط آموزشی و مبانی نظری مرتبط با آن پرداخته می‌شود.

کلیه عوامل محیط آموزشی در چهار گروه کلی مطالعه و بررسی‌اند. این چهار دسته عبارتند از:

۱-۲. بررسی خصوصیات ذهنی و عوامل رفتاری شاگردان لیسه که بر اُفت تحصیلی تأثیر می‌گذارند

عملکرد دانش‌آموزان به‌عنوان کنشگران اصلی در میدان تحصیل یکی از عوامل عمده‌ای اُفت تحصیلی است که متأثر از خصوصیات ذهنی و رفتاری شاگرد است. خصوصیات فردی دانش‌آموز را برای بررسی بهتر به سه دسته کلی تقسیم می‌کنیم که عبارتند از:

الف) ویژگی‌های ذهنی و روانی شاگردان مانند: هدف، انگیزه، عزت نفس، اعتماد به نفس، اضطراب، هوش و شرایط عاطفی، درگیری‌های عاطفی، هوش هیجانی، درک و شعور، بیش‌فعالی (اختلال و عدم تمرکز)، تلقین‌های نادرست، احساس موفقیت و رضایت تحصیلی، ناراحتی‌های عصبی و... که بر کیفیت تحصیلی و در نهایت بر اُفت تحصیلی تأثیر دارند

در واقع انگیزش عاملی است که شاگرد را از ملالت و سکون به سوی موفقیت حرکت می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهد معمول‌ترین علت اُفت و ترک تحصیل در پسران دوره لیسه بی‌علاقگی و برای دختران ازدواج است. (قریش‌راد، ۱۳۷۶

مطالعات انجام گرفته بر روی ۶۳۷۰۰۰ دانش آموز کلاس اول تا دوازدهم نشان می‌دهد بین انگیزش و پیشرفت تحصیلی همبستگی بسیار قوی (۰/۳۴) الی (۰/۵۰) وجود دارد. یعنی هرچه دانش آموز انگیزه بیشتر برای درس و یادگیری داشته باشد پیشرفت تحصیلی بهتر و هرچه انگیزه شاگرد کمتر باشد احتمال اُفت تحصیلی افزایش می‌یابد (چراغی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۴۰)

هلند و نیکولز (۱۹۶۴) در تحقیقات خود نشان دادند دانش آموزانی که از عملکرد اعضای مکتب راضی نیستند به درس، معلم و مکتب علاقه کمتر دارند، در انگیزش تحصیلی و یادگیری دچار مشکل هستند و احتمال اُفت تحصیلی شان بیشتر از سایر دانش آموزان است. (طاهری، ۱۳۹۷، ص ۵۸)

بین هدف از تحصیل، با درگیری تحصیلی و عملکرد تحصیلی، احساس رضایت و موفقیت تحصیلی رابطه معنی دار وجود دارد یعنی دانش آموزانی که هدف روشن تری از تحصیل دارند، از نظر انگیزشی، شناختی و رفتاری مطلوب تر هستند. مشکلات و موانع تحصیلی را به سادگی تحمل و حل و فصل می‌کنند و از تحصیل احساس رضایت و موفقیت دارند. (شکرکن، ۱۳۷۹، ص ۵۱)

بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی نیز رابطه معنا دار وجود دارد. یعنی هر دانش آموزی که فعالیت‌ها و تکالیف درسی اش را با موفقیت انجام می‌دهد احتمالاً تکالیف بعدی را با اعتماد به نفس بیشتری انجام خواهد داد، از تحصیل خود رضایت دارد و احساس موفقیت بیشتری را تجربه می‌کند. (جلیلیان، ۱۳۹۷، ص ۶۱)

مطالعات نشان می‌دهد عزت نفس، نقش علیّ قوی در اُفت تحصیلی شاگردان دارد و بین عزت نفس و اُفت تحصیلی همبستگی (۰/۴ تا ۰/۶) و و رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی هرچه عزت نفس پایین تر باشد احتمال اُفت تحصیلی بیشتر می‌شود. به همین دلیل دانش آموزان ممتاز نسبت به دانش آموزان مشروط و ناکام، از عزت نفس بالاتری برخوردار هستند (چراغی، ۱۳۹۶، ص ۴۹)

در رابطه با هوش پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد، بین هوش، عملکرد

تحصیلی و موفقیت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد. شاگردان باهوش، سالم‌ترند، سازگاری بهتری با شرایط تحصیلی دارند. این شاگردان در مقایسه با دانش‌آموزان مشروط و ناکام از بهره‌هوشی بالاتری برخوردارند. (چراغی، ۱۳۹۶، ص ۴۸)

حدود یک سوم دانش‌آموزان به ناتوانی یادگیری از جمله بیش‌فعالی مبتلا می‌شوند. ممکن است همه دانش‌آموزان، حتی شاگردان با استعداد هم گرفتار این عارضه شوند. ۲۵ درصد از شاگردانی که اختلالات یادگیری دارند، دچار نقص توجه و بیش‌فعالی (ADHD) هستند. بیش‌فعالی فی‌نفسه منجر به افت تحصیلی نمی‌شود. اما این عارضه، یک فاصله و تفاوت معنادار میان ظرفیت یادگیری بالقوه و ظرفیت یادگیری بالفعل ایجاد می‌کند و موجب کاهش عملکرد آموزشی می‌شود در این حالت افت تحصیلی رخ می‌دهد. (شریعتی، ۱۳۸۶، ص ۶۷)

ب) عوامل جسمی شاگردان مانند: جنسیت، بلوغ، شرایط سنی، بیماری، تغذیه، اعتیاد به مواد مخدر، خستگی، کم‌خوابی، مشکلات شنوایی و بینایی و... که بر کیفیت تحصیلی و در نهایت بر افت تحصیلی تأثیر دارند.

دانش‌آموزی که از سلامت جسمانی و روانی برخوردار نیستند و یا از بیماری‌های جسمی و روانی رنج می‌برند، عملکرد تحصیلی مناسب ندارد و احتمال افت تحصیلی در آن‌ها بیشتر از سایر شاگردان است. (افضلی، ۱۳۹۳، ص ۲۶).

برخی مطالعات نشان داده که دختران در علوم ادبی و پسران در علوم ریاضی و فنی، توانایی تحصیلی بهتری دارند. دختران برای تحصیل تلاش بیشتر دارند و پیشرفت تحصیلی شان بهتر از پسران است. پسران دشوارتر از دختران یاد می‌گیرند. میزان ناکامی و مشروطی نیز در پسران بیشتر است. دختران بیشتر به خانواده و نقش اجتماعی توجه دارند در حالیکه پسران در باره شغل، درآمد، مسئولیت‌های زندگی نگرانی و اضطراب دارند و عملکرد آموزشی آن‌ها کمتر از دختران است. (چراغی، ۱۳۹۶ ص ۵۰)

از تحقیقات چنین استنباط می‌شود که جنسیت دانش‌آموزان به‌عنوان یک عامل

یا متغیر مستقل نمی‌تواند موجب اُفت تحصیلی شود. اما با عنایت به نیازها، خواسته‌ها، وظایف، انتظارات متفاوت جامعه، و شرایط محیط آموزشی جنسیت می‌تواند به‌عنوان عامل تقویت‌کننده در پیشرفت یا اُفت تحصیلی عمل می‌کند. (ج) عوامل فرهنگی و رفتاری شاگردان: بی‌نظمی، عدم برنامه‌ریزی تحصیلی، کم‌کاری و تنبلی، سهل‌انگاری، غیبت‌های طولانی و مکرر، ناسازگاری با شرایط، آشنایی با ناهنجاری‌ها، عدم‌آشنایی با روش‌ها و اصول یادگیری، عدم رضایت، عدم موفقیت تحصیلی، روابط اجتماعی (با معلمان، شاگردان، دوستان و...)، عدم تناسب محتوی کتب با علایق و نیازهای شاگردان، عدم مشارکت و انعطاف‌پذیری، دوستان و هم‌صنفی‌های ناباب و بزه‌کار، کم‌بهره‌گی از ادب و اخلاق، روش‌های غلط مطالعه، نبود درگیری تحصیلی، درگیری‌های فکری، استفاده نابجا از فیلم و فضای مجازی، ابهام در بازار کار و اشتغال و... بر کیفیت تحصیلی و در نهایت اُفت تحصیلی تأثیر دارند.

عدم برنامه‌ریزی تحصیلی تا ۳۳ درصد بر اُفت تحصیلی تأثیر دارد. (ماریا چراغی، ۱۳۹۶، ص ۴۵). بررسی‌ها نشان می‌دهد بین درگیری تحصیلی و اُفت تحصیلی رابطه معکوس وجود دارد به عبارت دیگر هرچه زمان آموختن و میزان تکالیف درسی مؤثر، افزایش یابد اُفت تحصیلی کاهش می‌یابد (تمنائی فر، ۱۳۸۶، ص ۳۸)

مطالعات نشان می‌دهد، اولین و مهم‌ترین مولفه برنامه درسی پنهان، نوع رابطه معلم با شاگردان است که بیشترین تأثیر را در اُفت یا پیشرفت تحصیلی دارد (با بتای ۰/۷۷۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۱). دومین مولفه تأثیرگذار رابطه مدیر با شاگردان است (با بتای ۰/۴۰۲) و سومین مولفه مهم، رابطه شاگردان با قوانین و مقررات (با بتای ۰/۲۲۶) و چهارمین مولفه، رابطه شاگرد با شاگردان است (با بتای ۰/۱۶۵) که با اُفت تحصیلی رابطه دارند. (امرای، ۱۳۹۵، ص ۹۵)

نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد مؤلفه‌های برنامه درسی به‌ویژه برنامه درسی

پنهان در کیفیت و افت تحصیلی شاگردان تأثیر گذار هستند.

در نظام و کلاس‌های آموزشی ما، دانش‌آموزان حالت انفعال دارند و همواره شنونده، دریافت‌کننده و در نهایت اجراکننده تصمیم‌ها و برنامه‌های مدیر و عوامل اجرایی مکتب هستند و کمتر، توان انتقاد، تغییر و اصلاح برنامه‌ها و فعالیت‌های مکتب را دارند. محیط آموزشی و عوامل اجرایی مکتب از قدرت نرم و نفوذ فکری و فرهنگی بسیار بالا برخوردارند و اغلب شاگردان در اکثر قضایا با حالت انفعالی، معصومانه و مظلومانه فقط ناظر برنامه‌ها، تحلیل‌ها، تفسیرها و عملکردها هستند و کمتر در قضایا و مشکلات مکتب دخالت دارند.

از نظر روانی و رفتاری شدیداً مقلد و مجری برنامه‌ها، رفتارها و باورهای عوامل محیط آموزشی هستند. خصوصیات ذهنی و رفتاری شاگردان در سیطره عوامل آموزشی مانند برنامه‌های آموزشی و درسی، رفتارها و عملکردهای معلمان، عملکردها و تصمیم‌مدیر، فضاء و آموزش‌های رسمی و غیررسمی و... قرار دارد؛ به عبارت دیگر در قضایای آموزشی، عوامل فردی شاگردان به عنوان عوامل فرعی عمل می‌کنند و سایر عوامل آموزشی، عوامل غالب و حاکم در محیط آموزشی هستند. از این منظر، شاگردان کمترین تقصیر را در مشکلات مکتب از جمله مسأله افت تحصیلی دارند و برای کاهش مشکلات آموزشی به عوامل اجرایی باید توجه شود.

۲-۲. بررسی عوامل رفتاری و حرفه‌ای معلمان که بر افت تحصیلی شاگردان تأثیر می‌گذارد

دومین گروه از عوامل و متغیرهای عمده در محیط آموزشی که می‌توانند بر افت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر گذار باشند، مجموعه عوامل رفتاری و حرفه‌ای معلمان است که دارای مولفه‌ها و متغیرهای گوناگون است. برای وضاحت بیشتر، این مجموعه عوامل را به دسته‌های ذیل تقسیم می‌کنیم:

الف) خصوصیات اخلاقی و شخصیتی معلمان: مانند اخلاق حرفه‌ای، نظم،

دلسوزی، انگیزه و علاقه، صبر و حوصله، عزت نفس، تعهد کاری و سازمانی، اهمیت دادن به جایگاه معلم، تسلط علمی، روابط انسانی و عاطفی و... هستند که بر کیفیت آموزشی و در نهایت بر آفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارند.

مطالعات نشان می‌دهد بین آراستگی و ادبیات گفتاری معلمان و آفت انگیزه و آفت تحصیلی شاگردان رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. هرچه تعاملات معلم با شاگردان مثبت باشد آفت تحصیلی کاهش می‌یابد (امری، ۱۳۹۵، ص ۹۵)

ب) عوامل و خصوصیات تخصصی و مهارتی معلمان مانند: تخصص و تجربه علمی، آشنایی با مهارت‌ها و اصول تدریس، آشنایی با روش‌های تدریس، آشنایی با اهداف و روش‌های ارزیابی، مهارت و مدیریت صنفی، آشنایی با اصول تربیتی و روان‌شناسی، اطلاعات عمومی، آشنایی با مسائل روز، آموزش نمره‌محور، رعایت نکردن مقررات وصول امتحانات، آشنایی با فنون مشاوره و راهنمایی، آشنایی با تکنالوژی، توانایی ایجاد انگیزه و مشارکت و... هستند که بر کیفیت آموزشی و در نهایت بر آفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارند.

مطالعات نشان می‌دهد ۲۱ عامل تدریسی بر کیفیت آموزش مؤثرند از آن جمله؛ روش‌های نوین تدریس، استفاده از تکنالوژی و نرم‌افزارهای آموزشی، روش‌های تدریس فعال و مشارکتی، استفاده از ابزارهای کمک آموزشی، کیفیت تدریس معلم، زمان تدریس، فرصت یادگیری بر کیفیت تدریس و تبیین استراتژی تدریس و یادگیری تأثیر دارد. (پاهنگ، ۱۳۹۶، ص ۱۹۱)

استفاده از شیوه‌های ارزیابی نادرست، عدم آشنایی معلمان با فرایند ارزیابی، فقدان ارزیابی مستمر، عدم توجه به هدف‌های رفتاری شاگردان، عدم توجه به محتوای درسی، تأکید بیش از حد بر نمره، کمبود تمرینات و فعالیت‌های درسی، نبود رقابت‌های علمی و فرهنگی، غیر واقعی بودن نمرات امتحانی و... بر آفت تحصیلی شاگردان تأثیر دارد اگر انتظارات معلم از دانش‌آموزان فقط بر اساس آزمون‌های معلم ساخته و یا ارزیابی‌های ذهنی و غیر واقعی باشد و شاگردان

متناسب با عملکردهای تحصیلی، تشویق و تقویت نشوند، دچار درماندگی و خستگی و منجر به منفعل شدن شاگردان می‌شود و ادامه آن احساس شکست را تقویت می‌کند (پورقاز، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱)

پژوهش‌ها نشان می‌دهد مسائل مربوط به امتحان ۲/۲ درصد از واریانس (پراکندگی) اُفت تحصیلی را تبیین می‌کند این درصد به مسائلی مانند مشکل بودن سؤالات، ابهام در طرح سؤالات، عدم مهارت‌های ممتحن، اضطراب امتحان، نقض مقررات امتحانات، ذهنی بودن نمره‌دهی، ترس از ناکامی و... بستگی دارد. (پولادی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۲).

احتمال اُفت تحصیلی دانش‌آموزانی که کار خانگی مؤثر انجام نمی‌دهند و یامورد مشاوره قرار نمی‌گیرند، بیشتر از بقیه شاگردان است. رقابت‌های علمی و فرهنگی و ارائه مشاوره، بر حضور بیشتر دانش‌آموزان در کلاس درس و موفقیت تحصیلی آنان مؤثر است. (شکرکن، ۱۳۷۹، ص ۱۰۶)

ج) عوامل و خصوصیات اجتماعی و اقتصادی معلمان مانند: جایگاه اجتماعی معلم، توان اقتصادی، تضمین نیازها و خواسته‌ها، رضایت شغلی، امنیت و مسیر شغلی، حقوق و امتیازات معلمی، شرایط و مقررات کاری، فرسودگی شغلی، منزلت شغلی و... متغیرهای هستند که بر کیفیت آموزشی و در نهایت بر اُفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارند.

مطالعات نشان می‌دهد، عمده‌ترین عامل اُفت انگیزه و فرار از مسئولیت شغلی معلمان، نارضایتی شغلی و فرسودگی شغلی است که بیشترین تأثیر را بر اُفت تحصیلی شاگردان دارد. (پولادی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۱) نتیجه پژوهش‌های بانک جهانی در کشورهای جهان سوم از جمله هند و نپال نشان می‌دهد نارضایتی شغلی و پایین بودن حقوق معلمان عامل‌های عمده در اُفت تحصیلی دانش‌آموزان محسوب می‌شود. (یار محمدی ۱۳۸۹، ص ۳۹)

ویژگی‌های رفتاری و حرفه‌ای معلمان به‌عنوان بزرگترین الگوی اخلاقی

و رفتاری شاگردان در کیفیت آموزش و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان نقش تعیین‌کننده دارد. از آنجایی که نظام آموزشی ما به لحاظ اختیار و مسئولیت یک نظام متمرکز است عوامل اجرایی، به‌ویژه معلمان صلاحیت کافی برای آموزش و پرورش مناسب و مورد انتظار جامعه را ندارد؛ معلمان یکی از عوامل تعدیل‌کننده و تابع در برنامه‌های آموزشی به حساب می‌آیند. به همین جهت سهم معلمان در کیفیت یا شکست تحصیلی دانش‌آموزان کمتر از حد انتظار عمومی است.

برنامه‌ها و مقررات آموزشی بیشتر به معلم نگاه واسطه‌ای و ابزاری دارد. در واقع، مسئولین نظام آموزشی از معلم، آموزش میکائیکی، نظم محیط آموزشی، نظارت بر عملکرد دانش‌آموزان و در نهایت انتقال مطالب درسی به شاگردان را تقاضا دارد. نه مسئولیت تربیتی و آموزشی شاگردان و نه خلاقیت‌های آموزشی و تدریسی که منجر به تحول علمی و فرهنگی شاگردان شود.

هرچند نمی‌توان تأثیر مجموعه عوامل رفتاری و حرفه‌ای معلمان بر مسأله اُفت تحصیلی شاگردان انکار کرد. اما در حال حاضر وظایف و مسئولیت معلمی با صلاحیت و شرایط معلمی تناسب ندارد و این موضوع از شدت تأثیرگذاری نقش معلمان بر اُفت تحصیلی شاگردان می‌کاهد و انگشت اتهام بیشتر متوجه مسئولان معارف می‌باشد.

۲-۳. شناسایی و بررسی عوامل مدیریتی که بر اُفت تحصیلی شاگردان تأثیر دارد

سومین گروه از عوامل و متغیرهای عمده در محیط آموزشی که می‌توانند بر اُفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیرگذار باشند، عوامل الگوهای مدیریتی و خصوصیات حرفه‌ای مدیر لیسسه است. این عوامل به گروه‌ها و متغیرهای ذیل تقسیم می‌شود:

الف) ویژگی‌های شخصیتی و مهارت‌های انسانی مدیر لیسسه

ویژگی‌های شخصیتی مدیر مانند؛ تعهد، شکیبایی، نظم، دلسوزی، انگیزه و علاقه، هدف، صبر و حوصله، عزت نفس، تعهدکاری و سازمانی، تسلط علمی،

الگوهای رفتاری، روابط انسانی مطلوب، احترام به عوامل آموزشی و اخلاق و رفتار حرفه‌ای مدیر است که بر کیفیت آموزشی و در نهایت بر اُفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارند. نوع تعامل، نوع نگرش، میزان توجه و عملکرد مدیر و نوع فضایی که مدیر در مدرسه ایجاد می‌کند می‌تواند عامل موفقیت یا شکست تحصیلی شاگردان باشد. برقراری روابط حسنه و جلب نظر و رضایت معلمان یکی از اساسی‌ترین مسئولیت‌های مدیر است. آنچه تحت عنوان رابطه حسنه با معلمین مطرح می‌شود، پدید آوردن زمینه‌ها و شرایط لازم برای علاقه‌مندی به کار و انگیزش و رضایت آن‌ها در محیط کارشان است. مدیریت موفق با مشارکت دانش‌آموزان در مکتب، یادگیری دانش‌آموزان و تعهد حرفه‌ای معلمان، رضایت شغلی، یادگیری حرفه‌ای شاگردان رابطه مثبت و معنادار دارد. (میرکمالی، ۱۳۹۴).

یافته‌های محققان نشان می‌دهد بین تعاملات مدیر و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان از جمله اُفت تحصیلی شاگردان رابطه معنی‌دار وجود دارد. هرچه مدیر مکتب بادانش‌آموزان رابطه مناسب‌تری داشته باشد میزان اُفت تحصیلی دانش‌آموزان کمتر است. (امرایبی، ۱۳۹۵، ص ۴۷)

ب) ویژگی‌ها و مهارت‌های ادراکی و شناختی مدیر لیسه

ویژگی‌هایی هستند که به مدیر توان شناخت، تحلیل مسائل و تصمیم سالم را می‌دهد. از آن جمله می‌توان به علم و دانش مدیر، باورها و عقاید مدیر، نگرش و اهداف مدیر، توان درک و شناسایی از مشکلات، شناخت نیازها، تفکر سازمانی و راهبردی، توان تجزیه و تحلیل مسائل، روابط اجتماعی، ارتباطات و اطلاعات، رابطه کاری با همکاران، توان و مهارت ارزیابی، توجه به تفاوت‌های فردی، شناسایی استعدادها، توان و مهارت مشاوره، و... اشاره کرد که بر کیفیت آموزشی و در نهایت بر اُفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارند.

مدیریت به معنای مطالعه در متون سازمان و مدیریت رفتار سازمانی، بودجه‌بندی، حسابداری، دانستن آمار و... نیست، بلکه مدیر باید دارای تفکر منطقی بوده و

توانایی درک روابط علت و معلولی داشته باشد (میرکمالی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰).

شناخت تئوری‌های مختلف سازمان، شناخت سازمان آموزشی، فرهنگ، باورها و ارزش‌های اجتماعی، شناخت تئوری تحقیق، علم، عمل و روابط آن‌ها با یکدیگر، آشنایی با زمینه تاریخی نهضت‌ها، مکاتب و رویکردهای مختلف مدیریت، آشنایی با تئوری‌های مختلف علوم رفتاری و رویکردهای مربوط به آن‌ها، آشنایی با تئوری‌های، الگوها و مدل‌های تصمیم‌گیری و شناخت از موانع محدودیت‌ها و کاستی‌های مدیریت آموزشی از بارزترین ویژگی‌ها و مهارت‌های ادراکی و شناختی مدیر است (سیدعباس‌زاده، ۱۳۸۰)

ج) ویژگی‌ها و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای مدیر لیس

مهارت فنی مدیر به معنای دانایی و توانایی مدیر در انجام وظایف خاص است که لازمه آن ورزیدگی در کاربرد فنون و شایستگی عملی در انجام برنامه‌ها و فعالیت‌های مسلکی مدیر است. از آن جمله می‌توان به سواد و تخصص علمی مدیر، آشنایی با تئوری‌ها و روش‌های مدیریت، آشنایی با اصول و مقررات سازمانی، آشنایی با اهداف و محتوای آموزش و پرورش، دانش و مهارت اصول و ساختار اداری، آشنایی با الگوهای مدیریتی، مهارت انتخاب عوامل اجرایی، مهارت و توانایی انضباط اداری و آموزشی، دانش و مهارت اصلاح و بهبود فرآیند آموزش و پرورش، دانش و مهارت اداری و مالی، دانش و مهارت بودجه‌بندی و برنامه‌ریزی، دانش و مهارت نظارت و کنترل، دانش و مهارت راهنمایی اداری و آموزشی، دانش و مهارت ارزیابی و راهنمایی، توانایی مشارکت افراد در تصمیم‌گیری، تجربه هماهنگی بین منابع و فعالیت‌ها و برنامه‌ها، دانش و مهارت اصلاح و تعدیل برنامه‌ها و فعالیت‌ها، دانش و مهارت رهبری و ساماندهی، دانش و تجربه ایجاد انگیزش و رهبری، مهارت تصمیم‌گیری و حل مشکلات، مشاوره و هدایت کارکنان برای رسیدن به اهداف آموزش و پرورش و.... اشاره کرد که بر کیفیت آموزشی و در نهایت برآفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارند.

مطالعات نشان می‌دهد؛ مسائل مربوط به برنامه‌ریزی درسی و آموزشی با اُفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معنی‌دار دارد. هرچه برنامه‌های درسی و آموزشی دقیقتر طرح و اجرا شود اُفت تحصیلی دانش‌آموزان کمتر است (پولادی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰) مدیران مکاتب مسؤولیت تمام امور مکتب اعم از امور اداری، امور آموزشی، امور تربیتی، امور مالی و... را به عهده دارند و نظارت بر این موارد فقط یکی از وظایف مدیر است. متأسفانه، مدیران برای رسیدگی به مشکلات و برنامه‌های روزانه با کمبود فرصت مواجه هستند و نظارت آموزشی برای اغلب مدیران مکاتب جزء وظایف فرعی و درجه دوم به حساب می‌آید. این مسأله موجب اُفت در کیفیت آموزش شده است. مطالعات نشان می‌دهد بین نظارت و راهنمایی آموزشی و کیفیت آموزش و پرورش رابطه مستقیم وجود دارد. نظارت و راهنمایی آموزشی هرچه دقیق و مستمر انجام شود کیفیت آموزش بهتر می‌شود. (پولادی، ۱۳۷۹، ص ۹۸)

تحقیقات نشان می‌دهد که جو سالم سازمانی مکتب بر تعهد کاری معلمان و کیفیت تحصیلی شاگردان تأثیر عمیق دارد. هرچه جو سازمانی مکتب مثبت باشد، برقراری روابط انسانی آسان‌تر است و بالعکس، جو سازمانی بسته و منفی سبب بی‌اعتمادی، ترس، دوری و نفرت افراد از هم می‌شود. جو سازمانی مطلوب، محیط آموزش را لذت بخش و سودآور ساخته و انگیزش معلمان در آموزش و انگیزش شاگردان در یادگیری را بالا می‌برد. (رشیدی، ۱۳۷۲ ص ۶۵)

مدیر به‌عنوان یکی از ارکان اساسی مکتب است که در تنظیم و بهبود فرآیند آموزش و پرورش و حمایت از فرایند یادگیری دانش‌آموزان نقش بنیادی و محوری دارد. مدیر لیسسه، با صلاحیت و اختیارات وسیعی که در برنامه‌ریزی درسی و آموزشی دارد مسؤول برنامه‌ریزی، هماهنگی، نظارت، هدایت و ارزیابی برنامه‌ها و عملکردهای معلمان و شاگردان است. مدیر لیسسه نماینده نظام آموزشی و مسؤول با صلاحیت محیط آموزشی است که در واقع حلقه وصل شاگردان، معلمان، برنامه‌ها و نظام آموزشی به حساب می‌آید و عناصر مهم نظام آموزشی از قبیل برنامه، آموزش و یادگیری را تنظیم، نظارت، تقویت و اصلاح می‌کند.

از این منظر کارآیی عوامل و عناصر آموزش، بستگی به کارآیی و دلسوزی مدیر دارد. در صورتی که مدیر، دانش و شایستگی لازم برای رهبری و مدیریت آموزش و پرورش را نداشته باشد نه تنها برنامه‌ها و فعالیت‌ها با رکود و شکست مواجه خواهد شد بلکه نیروها و منابع نظام آموزش نیز با اتلاف شدید مواجه می‌شود.

۴. شناسایی و بررسی عوامل سیستمی و سازمانی آموزش و پرورش، که بر آفت تحصیلی شاگردان تأثیر می‌گذارد

عوامل سیستمی و سازمانی که بر آفت تحصیلی شاگردان تأثیر گذارند عبارتند از:

الف) نظام آموزشی بسته و متمرکز

یکی از عوامل آفت یا شکست تحصیلی شاگردان، بسته بودن نظام آموزشی است. نظام و سیستمی که از نیازها، خواسته‌ها، مشکلات و ضعف‌ها و قوت‌های عوامل آموزشی و دریافت‌کنندگان خدمات آموزش بی‌خبر است و توان اصلاح و ترمیم فرآیند آموزش را ندارد. سیستمی که به مفهوم بازخورد و نظرات مخاطبین خود اعتقاد ندارد و از بررسی و اصلاح برنامه‌ها و فعالیت‌ها عوامل و عناصر سیستم عاجز است و با فرسودگی شدید و همه جانبه به سوی ضعف و شکست در حرکت است.

ب) بنیادهای فلسفی غلط مانند فردگرایی، یک‌دست‌سازی، غالب‌پروری، عقل‌باوری

مطالعات نشان می‌دهد برخی از مؤلفه‌های تفکر مدرن‌سیم مانند فردگرایی، عقل‌باوری، قاعده‌پردازی، یک‌دست‌سازی، تمرکزبخشی و غالب‌پروری در تشدید آفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر گذارند (آهنچیان، ۱۳۸۵، ص ۸۷).

اقلیت‌های که متأثر از مشکلات اقتصادی و اجتماعی هستند با اندک‌ترین مشکل در کلاس درس شکست می‌خورند و شاگردان غالب؛ شاداب‌تر، با انگیزه‌تر، خلاق‌تر، قدرتمندتر و پرمدع‌ترند هرچند از دیگران تلاش بیشتر

نداشته باشند (آرنسون، ۱۹۹۹، ص ۵۰۸). به عقیده هاروی، مدرنیته کوششی برای جایگزین ساختن عقل به جای خرافه، افسانه و مذهب در اندیشه و رفتار انسانی است. (برتون و کاستیکاس، ۱۹۹۸، ص ۱۴۹)

ج) کم‌مهری مسئولان به نظام آموزش و پرورش

پرداختن به مسائل سیاسی، نژادی، حزبی در تصمیم‌گیری‌های آموزشی، نگرش‌های تبعیض‌آمیز مسئولان به عوامل آموزشی، فساد اداری گسترده در حیف و میل بودجه آموزش و پرورش، تخصیص سرانه و بودجه اندک به آموزش، سیاسی کردن نهاد و سازمان آموزش، جلوگیری از ورود نیروهای متخصص در برنامه‌ریزی‌های کلان آموزشی و درسی، تناقض بین هدف‌های آموزشی و برنامه آموزشی، بی‌توجهی به معلمان و عوامل اجرایی و... چالش‌ها و آسیب‌های هستند که در سیستم و نظام آموزشی ما وجود دارند و حکایت از کم‌مهری و بی‌توجهی مسئولان بر نظام آموزشی دارند.

د) عدم تناسب نیازها و استعدادها با برنامه‌ها و محتوی درسی

هرگاه میان مطالب درسی و روش تدریس معلمان تفاوت و تناقض وجود داشته باشد، این عدم توازن و تناسب بین نیازهای آموزشی و صلاحیت‌های معلم، انگیزه آموزشی معلمان و کیفیت تحصیلی شاگردان و کارایی نظام آموزش را به رکود مواجه می‌سازد.

ه) عدم تناسب روش‌های آموزش با امکانات و برنامه‌های آموزش

آموزش، فرایندی است برای کشف نیروهای درونی و به فعلیت رسانیدن قابلیت‌های یادگیرنده و این قاعده جز با برقراری روابط دو سویه میان شاگرد و معلم، قابل اجراء نیست. تأکید بیش از حد برحافظه و روش‌های حافظه‌محور، شرایط یادگیری، تفکر، کنجکاوی، رقابت علمی و خلاقیت شاگردان کم‌رنگ می‌کند. در حالی که فلسفه تعلیم و پرورش، آموزش چگونه آموختن، تفکر، رشد کنجکاوی، توانایی تصمیم‌گیری، قضاوت و خلاقیت برای حل مسائل

زندگی است. (ویلیام گلاسر، ۱۳۸۲، ص ۸۲)

استفاده افراطی از روش‌های حفظ و تکرار مفاهیم، نظریات و مطالب ناکارآمد درسی، قدرت تفکر و ابتکار را کاهش داده شاگرد را به موجودی منفعل، خسته و ناامید تبدیل می‌کند تا راه‌های فرار از درس را کشف و مراحل اولیه شکست تحصیلی را تجربه کند.

(و) عدم تناسب روش‌های ارزیابی با پیشرفت تحصیلی

تأکید بیش از حد بر نمرات امتحانی اهداف حقیقی آموزش و پرورش را با خطر مواجه می‌سازد و به‌جای تکوین و تکامل عقلی جوانان، توانایی حفظ مطالب از قبل تعیین شده، هدف قرار می‌گیرد. از جانب دیگر؛ امتحان تهدید دائمی برای شاگرد و معلم به حساب می‌آید و فشارهایی روانی از مسائل امتحانات سلامت روانی شاگردان و عوامل آموزش را به مخاطره می‌اندازد.

اگر ارزیابی پیشرفت تحصیلی به‌عنوان یک فرایند تکمیلی و اصلاحی به شکل اصولی، دوام‌دار و مؤثر اجرا شود نقش نمره و امتحانات پایانی و نگرانی‌های ناشی از آن کم می‌شود و فرایند آموزش در مسیر درست قرار می‌گیرد یعنی آموزش نه بر اساس نمره بلکه بر مبنای یادگیری و مهارت‌های لازم، شکل می‌گیرد در این حالت ناکامی، افت یا شکست تحصیلی و یا ترک تحصیل دیگر معنا و مفهومی ندارد و اکثریت شاگردان می‌توانند بدون نگرانی، دیر یا زود به اهداف تعیین شده برسند.

(ز) عدم توجه به امور تربیتی

با ملاحظه به عوامل افت تحصیلی، می‌توان پی برد که بخش اعظم این عوامل، ریشه در امور تربیتی و رفتاری دارند؛ از آن جمله نارسایی در تربیت معلمان و مدیران متعهد و کم‌کاری در تربیت شاگردان و آینده‌سازان جامعه مهم‌ترین چالش‌های تربیتی به‌شمار می‌رود. افت انگیزه تحصیل، علت تمام شکست‌های آموزشی و تربیتی مانند ناکامی، مشروطی، ترک تحصیل و ناهنجاری‌های رفتاری

و اخلاقی شاگردان است. (گلاسر، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰)

ح) عدم تناسب در شایستگی و صلاحیت معلمان با نیازها و برنامه‌های آموزشی
جامعه سنتی افغانستان با توجه به نیازها و مشکلات علمی و فرهنگی که دارد از معلم و نظام آموزشی، انتظارات بالایی دارد. در حالی که سیاست‌های اجرایی و اداری نظام آموزشی به صورت متمرکز و توسط هسته مرکزی رهبری می‌شود، معلم صلاحیت کاری چندانی ندارد، از معلم بیشتر تقاضای مواظبت از شاگردان و انتقال مفاهیمی به ظاهر علمی به شاگردان وجود دارد و مطالب درسی و محتوای آموزشی که افراد دیگر آن‌ها را تهیه و تدوین کرده‌اند. در تهیه برنامه‌های آموزشی و درسی معلمان هیچ دخالت و مشارکتی ندارند. میان مطالب درسی و روش تدریس معلمان تفاوت و تناقض وجود دارد و این عدم توازن و تناسب بین نیازهای آموزشی و صلاحیت‌های معلم، انگیزه آموزشی معلمان و کیفیت تحصیلی شاگردان و کارایی نظام آموزش را به رکود مواجه ساخته است.

ط) مشکلات و چالش‌های فضای آموزشی

تحقیقات نشان می‌دهد که عوامل فیزیکی مانند تأسیسات و تجهیزات، وسایل آموزشی، رنگ دیوارها و ساختمان، نور و روشنایی، امنیت روانی، آرامش محیط، میز و چوکی، وسایل و تجهیزات اداری، چیدمان وسایل، پوشش ظاهری معلمان و کارکنان، وسایل آموزشی و کمک آموزشی، و عوامل فرهنگی مانند مقررات، برنامه‌ها، توانایی‌ها و شایستگی‌های کارکنان، رفتار و منش آنان، نحوه برقراری ارتباط و مسئولیت‌شناسی افراد، ارتباط مکتب با محیط و متقاضیان، جو عاطفی و غیررسمی، نگرش مثبت و خوش‌بینی معلمان و مسئولان مکتب، تناسب برنامه‌ها با امکانات، همکاری اعضا و کارکنان، روابط انسانی، عملکرد معلمان و شاگردان و... تأثیر دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد عوامل فرهنگی و فیزیکی محیط آموزش بر کیفیت فضا و کیفیت فضای آموزشی بر کیفیت آموزش و یادگیری تأثیر می‌گذارد. (پاهنگ، ۱۳۹۶، ص ۱۸۹)

نظام آموزشی به‌عنوان سیستم عامل مبدأ و منشأ تمامی برنامه‌ها، فعالیت‌ها، تغییرات و تحولات فرایند آموزش و پرورش است. در صورتی که برنامه‌ها و عوامل سیستمی و سازمانی مطابق با معیارهای آموزش و نیازها و شرایط متقاضیان فعالیت نکند و یا فرآیند آموزش معلمان و یادگیری دانش‌آموزان براساس نیازها و انتظارات جامعه، تنظیم و پردازش نشود نه تنها خدمات ناکارآمد و محصول سیستم ناقص به‌وجود می‌آید بلکه هزینه‌ها و منابع سیستم نیز با اتلاف مواجه می‌شود. همان‌گونه که مسئولان و سیستم آموزش مسئولیت طرح و اجرای برنامه آموزشی را دارد، وظیفه انجام و نظارت بر کیفیت و معالاسف سال‌هاست به عوامل سیستمی و سازمانی نظام آموزشی نظارت و اصلاحات، اقدام لازم صورت نگرفته و دستاوردهای این نهاد محسوس و مطلوب نیست. از همین جهت یکی از عوامل جدی درافت کیفیت آموزشی سیستم و عوامل سازمانی آموزش و پرورش است.

۳. روش و ابزار تحقیق

در تحقیق پیش‌رو، برای شناسایی مبانی نظری اُفت تحصیلی از کتابخانه و منابع مکتوب و برای گردآوری اطلاعات از پرسش‌نامه و مصاحبه استفاده شده است. با توجه به موضوع و هدف تحقیق که بررسی عوامل محیط آموزشی بر اُفت تحصیلی شاگردان ذکور لیسه نمونه دولتی محمد آصف مایل می‌باشد از چهار مجموعه عوامل مؤثر در محیط آموزشی یعنی خصوصیات و عوامل فردی دانش‌آموزان، عوامل رفتاری و حرفه‌ای معلمان، عوامل رفتاری و حرفه‌ای مدیر و عوامل سیستمی و سازمانی نظام آموزشی چهار پرسش‌نامه با ۳۲ گویه (سؤال) تهیه شد تا عوامل اُفت تحصیلی دانش‌آموزان لیسه نمونه دولتی محمد آصف مایل به خوبی شناسایی و بررسی شوند.

از این منظر روش تحقیق میدانی و پیمایشی است و از روش تحلیل و توصیف نیز استفاده شده است. از آنجایی که محقق در پی شناسایی عوامل و

میزان تأثیر عوامل بر آفت تحصیلی شاگردان دوره لیسه است، تحقیق به روش میدانی و کاربردی اجرا شده است. در طراحی پرسش‌نامه از مقیاس لیکرت که یکی از رایج‌ترین و آسان‌ترین مقیاس‌های اندازه‌گیری به‌شمار می‌رود استفاده شد و در نهایت پرسش‌نامه مستقل ساخته شد و به تأیید اهل فن و استاد راهنما رسید. جامعه آماری تحقیق شاگردان ذکور دوره لیسه (صنوف دهم، یازدهم و دوازدهم) از لیسه نمونه دولتی محمد آصف مایل (در سال‌های ۹۸ و ۹۹ آموزشی) است. در این سال‌ها، حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ شاگرد ذکور در ۱۴ صنف مشغول تحصیل هستند که در این تحقیق با ۳۵۰ دانش‌آموز به‌عنوان نمونه آماری در ۴ پرسش‌نامه و ۳۲ سؤال مصاحبه شده است و برای تحلیل ارقام و معلومات از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل عاملی اکتشافی و بررسی سؤالات (فرضیات) از روش‌های آماری برای تحلیل و نتیجه‌گیری از فرضیات استفاده شده است. یافته‌های تحقیق در دو قسمت آمار توصیفی، که به بررسی و توصیف اطلاعات عمومی نمونه آماری است و آزمون فرضیات تحقیق که با استفاده از روش‌های آماری مناسب انجام شده، ارائه شده است.

برای مشخص کردن عوامل آموزشی مرتبط با آفت تحصیلی از روش آماری تحلیل عاملی استفاده شده است، روش تحلیل عاملی یک روش آماری است که هدف آن ارائه مجموعه‌ای از متغیرها بر حسب تعداد کمتری از متغیرهای فرضی است. به بیان دیگر در تحلیل عاملی تعداد زیادی از متغیرها بر حسب تعداد کمی از ابعاد یا سازه‌ها بیان می‌شود که این سازه‌ها، فاکتور یا عامل نامیده می‌شوند.

تعیین تعداد نمونه مورد نیاز برای پژوهشی بسته به هدف، ماهیت، حوزه عمل و نتیجه قابل انتظار از هر مطالعه متفاوت می‌باشد. متداول‌ترین روش محاسبه اندازه نمونه، استفاده از محاسبات آماری است. در این روش از فرمول کوکران که یکی از فرمول‌های معتبر آماری است استفاده شده است که معمولاً در ارتباط

با مطالعه متغیرهای کیفی برای تعیین حجم نمونه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]}$$

۳-۱. آمار استنباطی

در انتخاب یک آزمون آماری برای تحقیق، باید تصمیم بگیریم که آیا از آزمون‌های پارامتریک استفاده کنیم یا آزمون‌های ناپارامتریک. یکی از اصلی‌ترین ملاک‌ها برای این انتخاب، انجام آزمون کولموگروف - اسمیرنوف است.

در نرم‌افزار SPSS، در صفحه نتیجه آزمون کولموگروف - اسمیرنوف، اگر این آزمون معنی‌دار بود (یعنی p کوچک‌تر از $0/05$ باشد)، به معنای این است که توزیع داده‌ها، نرمال نیست و می‌توان از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده کنیم، و بالعکس، تأیید شدن این آزمون، نشانه پارامتریک بودن داده‌ها است.

جهت بررسی فرض نرمال بودن توزیع داده‌های سؤالات پرسش‌نامه برای بررسی سؤالات تحقیق (فرضیات) از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شده است و بر اساس نتایج حاصله آزمون‌های مناسب برای بررسی صحت فرضیات تحقیق را اتخاذ می‌شود. جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های سؤالات پرسش‌نامه و برای بررسی سؤالات تحقیق (فرضیات) از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شده است. با توجه به داده‌های ارائه شده معلوم شد سطح معناداری برای تمام شاخص‌ها بالاتر از خطای (سطح معناداری) $0/05$ می‌باشد، در نتیجه داده‌ها دارای توزیع نرمال است. لذا برای بررسی سؤالات تحقیق از آزمون‌های پارامتریک استفاده می‌شود.

۳-۲. تحلیل عاملی اکتشافی

تحلیل عاملی دو شکل اکتشافی و تأییدی دارد. این که کدام یک از این دو شکل

باید در تحلیل عاملی به کار رود مبتنی بر هدف تحلیل داده‌هاست. تحلیل عاملی اکتشافی وقتی به کار می‌رود که پژوهشگر شواهد کافی قبلی و پیش‌تجربی برای تشکیل فرضیه برای تعداد عامل‌های زیربنایی داده‌ها نداشته باشد. در حقیقت مایل باشد در باره تعیین تعداد با ماهیت عامل‌هایی که واریانس بین داده‌ها را توجیه می‌کند، داده‌ها را بکاود. بنابراین با توجه به هدف این تحقیق، تحلیل اکتشافی بیشتر به عنوان یک روش تدوین و تولید تئوری و نه یک روش آزمون تئوری در نظر گرفته می‌شود. برای تأیید این مطلب که نمونه و رابطه بین متغیرها برای تحلیل عاملی مناسبند یا خیر؟ از دو روش آماری یعنی از شاخص KMO و آزمون بارتلت در نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

شاخص KMO که مخفف (Kaiser-Meyer-Olkin Measure of sampling adequacy) است، شاخصی از کفایت نمونه‌گیری است که کوچک بودن همبستگی جزئی بین متغیرها را بررسی می‌کند و از این طریق مشخص می‌کند آیا واریانس متغیرهای پژوهش، تحت تأثیر واریانس مشترک برخی عامل‌های پنهانی و اساسی است یا خیر. از آزمون KMO برای کفایت نمونه حجم استفاده می‌شود برای پی بردن به کفایت حجم نمونه، KMO باید بالاتر از ۰/۰۷ باشد. KMO کلی پرسش‌نامه شاخص‌های توصیف کمی مربوط به پرسش‌نامه‌های تحقیق با (۰/۸۸۱) به دست آمده است. بنابراین مشخص شد که تحلیل عاملی اکتشافی برای داده‌های این تحقیق مناسب می‌باشد.

۳-۳. آزمون فرضیات

برای آزمون فرضیات از آزمون t تک متغیره استفاده شده است، این آزمون یکی از پرکاربردترین آزمون‌ها در تحقیقات علوم تربیتی و مدیریتی است. این آزمون مشخص می‌کند که میانگین به دست آمده از یک نمونه در مقایسه با یک معیار و مقدار تعیین شده، متفاوت است یا خیر؟ به عبارت دیگر، برای مقایسه میانگین به دست آمده از یک نمونه با یک عدد ثابت از آزمون تی استفاده می‌شود.

با توجه به داده‌های ارائه شده در آزمون تی معلوم شد سطح معناداری همه عوامل فرض شده از مقدار $\alpha = 0/05$ کمتر می‌باشد و مقدار میانگین محاسبه شده از میانگین مبنا بیشتر است. لذا می‌توان گفت تمامی عواملی که در ۳۲ گویه پرسش‌نامه‌ها فرض شده است بر آفت تحصیلی شاگردان لیسه نمونه دولتی محمد آصف مایل تأثیرگذار است.

۴-۳. یافته‌های تحقیق

رتبه‌بندی عوامل بر اساس آزمون فریدمن

آزمون فریدمن یک آزمون ناپارامتریک، معادل آنالیز واریانس با اندازه‌های تکراری (درون‌گروهی است) که از آن برای مقایسه میانگین رتبه‌بندی گروه‌های مختلف (بیش از دو گروه وابسته) یا اولویت‌بندی متغیرها بر اساس بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته به‌کار می‌رود. بنابراین گروه‌ها باید از قبل تنظیم شده باشند. آزمون فریدمن مشخص می‌کند که آیا میانگین‌ها یا حاصل جمع‌های رتبه‌ها به‌طور معنی‌داری با یکدیگر تفاوت دارند یا خیر.

۱. تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه اول «کدام خصوصیات ذهنی و عوامل رفتاری شاگردان لیسه نمونه دولتی محمد آصف مایل» بر آفت تحصیلی تأثیر دارد؟ نشان می‌دهد هر یک از ۸ سؤال این پرسش‌نامه می‌تواند به‌عنوان یک عامل مؤثر در خصوصیات ذهنی و رفتاری شاگردان حساب شود. درجه‌بندی عوامل نشان می‌دهد کار ضمن تحصیل شاگردان بیشترین تأثیر را بر آفت تحصیلی دارد.

میانگین رتبه	سؤال
۲/۷۵	۱ عدم علاقه و انگیزه شاگرد
۲/۲۸	۲ نداشتن برنامه‌ریزی تحصیلی
۵/۱۷	۳ مشکلات اخلاق و تربیتی
۵/۱۴	۴ تأثیر دوستان ناباب
۵/۱۴	۵ رواج فرهنگ مدرک‌گرایی

۵/۰۶	۶ بی توجهی به تکالیف درسی
۵/۳۰	۷ کار ضمن تحصیل شاگردان
۵/۱۷	۸ داشتن ضعف درسی از سال‌های قبل

۲. تجزیه و تحلیل گویه‌ها و سؤالات پرسش‌نامه دوم «کدام عوامل رفتاری و حرفه‌ای استادان لیسه نمونه دولتی محمد آصف مایل بر اُفت تحصیلی شاگردان» تأثیر دارد؟ نشان می‌دهد هر یک از ۶ سؤال این پرسش‌نامه می‌تواند به‌عنوان یک عامل مؤثر در خصوصیات رفتاری و حرفه‌ای معلمان حساب شود. درجه‌بندی عوامل نشان می‌دهد بی‌اعتنایی بعضی از معلمان به وضعیت درسی و تربیتی شاگردان بیشترین تأثیر را بر اُفت تحصیلی دارد.

جدول ۴-۱۷ میانگین رتبه‌های سؤالات پرسش‌نامه دوم تحقیق

میانگین رتبه	سؤال
۳/۵۵	۱ کم‌علاقه‌گی بعضی از معلمان به وظایف
۳/۵۹	۲ بی‌اعتنایی بعضی از معلمان به وضعیت درسی و تربیتی شاگردان
۳/۴۹	۳ چندشغله بودن و یا مشغله‌های فکری و روانی معلمان
۳/۵۵	۴ عدم آشنایی معلمان با مهارت‌ها و روش‌های تدریس مناسب
۳/۴۱	۵ نبود ارزیابی مستمر از وضعیت درسی شاگردان
۳/۴۳	۶ سهل‌انگاری معلمان در برگزاری امتحانات سالم

۳. تجزیه و تحلیل گویه‌ها و سؤالات پرسش‌نامه سوم «کدام عوامل مدیریتی و خصوصیات حرفه‌ای مدیر لیسه محمد آصف مایل، بر اُفت تحصیلی شاگردان» تأثیر دارد؟ نشان می‌دهد هر یک از ۹ سؤال این پرسش‌نامه می‌تواند به‌عنوان یک عامل مؤثر در خصوصیات حرفه‌ای مدیر لیسه حساب شود. درجه بندی عوامل نشان می‌دهد نبود برنامه‌ریزی درسی مؤثر و هدفمند در مکتب، بیشترین تأثیر را بر اُفت تحصیلی دارد.

جدول ۴-۱۹ - میانگین رتبه‌های سؤالات پرسش‌نامه سوم تحقیق

میانگین رتبه	سؤال
۵/۰۴	۱ بی‌علاقگی مدیر به امور مکتب
۵/۱۵	۲ کم تجربه بودن مدیر در امور مدیریت
۴/۹۰	۳ عملکرد غیر حرفه‌ای مدیر و عوامل اجرایی
۵/۲۱	۴ نبود برنامه‌ریزی درسی مؤثر و هدفمند در مکتب
۴/۸۰	۵ نقض مقررات آموزش و پرورش توسط مدیر و کارکنان
۵/۱۰	۶ تبانی و سازش کارکنان مکتب برای فرار از مسئولیت
۴/۹۵	۷ نبود رقابت‌های علمی و فرهنگی در مکتب
۴/۸۶	۸ شیوه‌های نادرست ارزیابی و امتحان
۵/۰۱	۹ عدم هماهنگی و مشوره با اولیای شاگردان

۴. تجزیه و تحلیل گویه‌ها و سؤالات پرسش‌نامه چهارم «کدام عوامل سازمانی و سیستمی نظام آموزشی بر آفت تحصیلی شاگردان لیسه نمونه دولتی محمد آصف مایل» تأثیر دارد؟ نشان می‌دهد هر یک از ۸ سؤال این پرسش‌نامه می‌تواند به‌عنوان یک عامل مؤثر در خصوصیات سیستمی و سازمانی نظام آموزش حساب شود. درجه‌بندی عوامل نشان می‌دهد عیب و نقص برنامه‌های آموزشی، بیشترین تأثیر را بر آفت تحصیلی دارد.

جدول ۴-۲۱ - میانگین رتبه‌های سؤالات پرسش‌نامه چهارم تحقیق

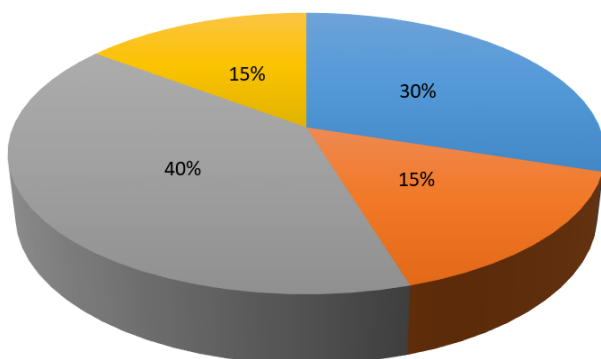
میانگین رتبه	سؤال
۳/۶۰	۱ عیب و نقص برنامه‌های آموزشی
۳/۵۷	۲ بی‌اعتنایی مسئولان به وضعیت آموزشی
۳/۳۹	۳ کمبود ظرفیت‌ها و مهارت‌های سازمانی معلمان و کارکنان
۳/۴۰	۴ ناکارآمدی مقررات مجازات و مکافات معلمان و کارکنان
۳/۵۰	۵ مشکلات نصاب تعلیمی و کتب درسی،
۳/۵۴	۶ کمبود فضا و امکانات و جمعیت بیش از حد شاگردان

رتبه‌بندی چهار گروه تأثیرگذار بر اُفت تحصیلی دانش‌آموزان

جدول ۴-۲۳ میانگین رتبه‌های عوامل تأثیرگذار بر اُفت تحصیلی نشان می‌دهد

میانگین رتبه	عوامل
۳	خصوصیات ذهنی و رفتاری شاگردان لیسه محمد آصف مایل بر اُفت تحصیلی
۱/۵۳	رفتاری و حرفه‌ای استادان لیسه محمد آصف مایل بر اُفت تحصیلی شاگردان
۴	عوامل مدیریتی، لیسه محمد آصف مایل بر اُفت تحصیلی
۱/۴۷	عوامل سازمانی و سیستمی نظام آموزشی مؤثر بر اُفت تحصیلی شاگردان لیسه مذکور

نتایج نهایی میانگین رنکینگ نشان می‌دهد پرسش‌نامه ۳ یعنی مجموعه عوامل مدیریتی، در لیسه نمونه دولتی محمد آصف مایل بر اُفت تحصیلی دانش‌آموزان لیسه دارای بزرگ‌ترین مقدار میانه و لذا بیشترین اهمیت است. به عبارت دیگر عوامل مدیریتی لیسه نمونه دولتی محمد آصف مایل بیشترین تأثیر را بر اُفت تحصیلی دانش‌آموزان این لیسه دارد. نتیجه این نسبت‌سنجی و رتبه‌بندی نشان می‌دهد، عملکرد مدیر به‌عنوان یکی از ارکان اساسی مکتب در تنظیم و بهبود فرآیند آموزش و حمایت از فرایند یادگیری نقش مهمی دارد.



■ رفتاری و حرفه‌ای استادان لیسه بر اُفت تحصیلی شاگردان
 ■ عوامل سازمانی و سیستمی نظام آموزشی
 ■ عوامل مدیریتی، در لیسه بر اُفت تحصیلی
 ■ خصوصیات ذهنی و رفتاری شاگردان ان لیسه بر اُفت تحصیلی

نمودار ۴-۱ درصد میانگین رتبه‌های عوامل تأثیرگذار بر اُفت تحصیلی

نتایج به دست آمده از میانگین رنگینک نشان می دهد از بین چهار دسته عوامل مؤثر بر افت تحصیلی شاگردان لیسه محمد آصف مایل؛

۱. «عوامل مدیریتی لیسه نمونه دولتی محمد آصف مایل» با سهم ۴۰ درصدی بیشترین تأثیر را بر افت تحصیلی شاگردان دارد.

۲. رتبه دوم مربوط به خصوصیات ذهنی و رفتاری شاگرد است که سهم ۳۰ درصدی بر افت تحصیلی شاگردان دارد.

۳. درجه سوم مجموعه عوامل رفتاری و حرفه ای معلمان لیسه است که در حدود ۱۵ درصد بر افت تحصیلی شاگردان لیسه محمد آصف مایل تأثیر دارد.

۴. کمترین تأثیر مربوط به «عوامل سازمانی و سیستمی نظام آموزشی» است که در کمتر از ۱۵ درصد بر افت تحصیلی شاگردان لیسه محمد آصف مایل تأثیر گذاشته است.

منابع

قرآن کریم

کتب

۱. اسماعیل یزدی، عباس، ۱۳۸۱، فرهنگ تربیت، قم، انتشارات دلیل ما.
۲. پرهیزکار، کمال ۱۳۸۴. روابط انسانی. اصفهان: انتشارات مدرسه عالی کورش. چاپ اول.
۳. جی ادوارد اوتز، ۱۳۸۸، مبانی مدیریت برای متخصصان اطلاع‌رسانی، ترجمه: مینو واعظزاده و دیگران، تهران، چاپ اول، سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
۴. فراهانی، حجت الله و عریضی حمید رضا، ۱۳۸۸، روش‌های پیشرفته پژوهش در علوم انسانی، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ دوم.
۵. دلاوری، علی، ۱۳۸۰، مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، انتشارات سیمیا.
۶. _____، ۱۳۸۵، روش‌های آماری در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۷. رشیدی محمد، ۱۳۷۲، جایگاه برنامه‌ریزی آموزشی در فراگرد مدیریت، مدیریت دولتی.
۸. رضائیان، علی، ۱۳۸۴، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات سمت.
۹. رضائیان، علی، ۱۳۸۴، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات سمت.
۱۰. زاهدی، شمس السادات، ۱۳۸۶، تجزیه و تحلیل سیستم‌ها، دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ هفتم.
۱۱. سروری، خلیل الرحمن، ۱۳۹۵، روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، کابل، انتشارات سعید، چاپ سعید.
۱۲. سعادت، اسفندیار، ۱۳۷۵، مدیریت منابع انسانی، تهران، انتشارات سمت، چاپ مهر قم.
۱۳. سیف، علی‌اکبر، ۱۳۸۶، روان‌شناسی پرورشی، تهران، انتشارات آگاه، چاپ هفدهم.

۱۴. سیف، علی اکبر، ۱۳۹۰، تغییر رفتار و رفتار درمانی: نظریه‌ها و روش‌ها، تهران، نشر روان.
۱۵. صالحی، حسین، ۱۳۸۰، تکنیک‌های موفقیت در تحصیل، قم، نشر مصطفی
۱۶. علاقه‌بند، علی، ۱۳۸۷ مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، تهران، چاپ بیستم، نشر روان.
۱۷. قلی یوسفی، محمد، ۱۳۹۲، کتاب استراتژی‌های رشد و توسعه اقتصادی.
۱۸. گنجی، حمزه، ۱۳۸۹، روان‌شناسی عمومی، تهران، انتشارات کوثر+ ساوالان، چاپ پنجم.
۱۹. متوسلی، محمود و آهنچیان، محمدرضا، ۱۳۹۲، اقتصاد آموزش و پرورش، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت.
۲۰. مرادی، بهجت ۱۳۷۶، بررسی انگیزه مدیران آموزشی در انتخاب شغل فرد، پایان‌نامه

مقالات

۲۱. مهدیان، محمد جعفر، ۱۳۸۵، مبانی و اصول تعلیم و تربیت، تهران، نشر ساوالان.
۲۲. میر کمالی، سید محمد، ۱۳۷۳، رهبری و مدیریت آموزشی، چاپ اول.
۲۳. میر کمالی، سید محمد ۱۳۹۵، فلسفه مدیریت، تهران، چاپ دوم، ناشر: یسپرون.
۲۴. میر کمالی، سید محمد ۱۳۷۸. رفتار و روابط در سازمان و مدیریت. تهران: انتشارات رامین.
۲۵. نبوی، محمد حسین، ۱۳۷۸، مدیریت اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات.
۲۶. نیکنمایی، مصطفی، ۱۳۹۴، نظارت و راهنمایی آموزشی، تهران، چاپ پانزدهم.
۲۷. الوانی، مهدی، ۱۳۸۵، مدیریت عمومی، تهران، نشر نی، چاپ چهل و هفتم.

۲۸. ویلیام گلاسر، ۱۳۸۲ مدارس بدون شکست، مترجم: ساد حمزه، تهران، چاپ سوم.
۲۹. آهنچیان، محمد رضا، ۱۳۸۵، اُفت تحصیلی و رابطه آن با بنیادهای فلسفی آموزش و پرورش مدرن.
۳۰. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، شماره ۴
۳۱. شکرکن، پولادی و دکتر حقیقی، ۱۳۷۹، بررسی عوامل اُفت تحصیلی دبیرستان‌های پسرانه اهواز، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، سال هفتم، دوره سوم، شماره ۳.
۳۲. صفوی، امان‌الله، ۱۳۹۰، ترجمه و تلخیص، مجله تحقیقات تربیتی، اُفت تحصیلی در ایالات متحده آمریکا و علل آن.
۳۳. ۱۲- عاطفه امرایی و همکاران، ۱۳۹۵، رابطه برنامه درسی پنهان با اُفت تحصیلی، فصلنامه مطالعات پیش‌دبستان و دبستان، تابستان، سال اول، شماره چهارم.
۳۴. قریش راد، ۱۳۷۶، علل پدیده کم‌آموزی و اُفت تحصیلی در مدارس و راهبردهای مقابله با آن، ماهنامه تربیت، معاونت پرورش وزارت آموزش و پرورش.
۳۵. قدم‌پور، عزت‌الله و همکاران-۱۳۹۳، پیش‌بینی اُفت تحصیلی براساس درگیری تحصیلی، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، شماره ۳۴، سال دهم.
۳۶. محمد رضا، طاهری و فاطمه جلیلیان، ۱۳۹۷، تحلیلی بر عوامل کاهش انگیزه و تأثیر آن بر اُفت تحصیلی، مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، شماره ۲۴، دوره سوم.
۳۷. ماریا چراغی و همکاران، ۱۳۹۶، بررسی عوامل اُفت تحصیلی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور، مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره دوم.
۳۸. یار محمدی واصل، مسیب و مقامی، حمید رضا، ۱۳۸۹، بررسی عامل‌های

- مؤثر بر آفت تحصیلی درس ریاضی دوره متوسطه، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ششم، شماره یک.
۳۹. افضل، مهناز - دلاور، علی و افضل، افشین ۱۳۹۳، فراتحلیلی بر پایان نامه های انجام شده در حوزه آفت تحصیلی، فصلنامه اندازه گیری تربیتی، دوره پنجم، شماره ۱۷.
۴۰. پاهنگ، نظام الدین - مهدیون، روح اله و یاریقلی، بهبود ۱۳۹۶، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت مدرسه دوره، بررسی کیفیت مدارس و شناسایی عوامل مؤثر بر آن، پنجم - شماره اول.
۴۱. پورقاز، عبدالوهاب - ۱۳۸۰، بررسی عوامل درون سازمانی بر آفت تحصیلی شهرستان چابهار، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۴۲. دلخمش، محمد تقی، تأثیر رگه های عمقی شخصیت بر آفت تحصیلی، مقاله گزارشی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
۴۳. دانشجویان پزشکی، ۱۳۹۲، مقاله مرور سیستماتیک بررسی علل آفت تحصیلی، مجله مرکز مطالعات و توسعه پزشکی، دوره دهم، شماره دوم.
۴۴. دسترنج، منصوره، بلوکی، صدیقه و مریم موذن، فصلنامه علمی-پژوهشی، علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر.
۴۵. سهرابی، ابوالفضل و جندقی، غلامرضا، مجله علمی تحقیقی فرهنگ مدیریت، بهار ۱۳۸۴، سال سوم، شماره هشتم.